

روی آلیسون و لنا جانسون، امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی، ترجمه محمدرضا دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (۱۳۸۲)، ۳۶۸ صفحه.

این کتاب حاصل کنفرانسی تحت عنوان «آسیای مرکزی در چارچوب جدید امنیتی» است که در سپتامبر ۱۹۹۹ برگزار شد. سازمان‌دهندگان آن عبارت بودند از مؤسسه امور بین‌المللی سوئد (SIIA)، مرکز مطالعات آسیای اقیانوس آرام و نیز کانون مطالعات آسیای مرکزی دانشگاه استکهلم و دپارتمان تحقیقات صلح دانشگاه اپسالا، طیف گسترده‌ای از متخصصین بین‌المللی از جمله نویسندگان پاره‌ای از فصول این کتاب، برای برگزاری موفقیت‌آمیز آن مشارکت کردند.

کتاب امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی دارای یازده فصل است که ده فصل آن هریک مقاله یکی از نویسندگانی است که در کنفرانس مزبور شرکت نموده‌اند و فصل یازدهم نتیجه‌گیری کتاب محسوب می‌گردد. فصول کتاب به ترتیب عبارتند از:

فصل اول - امنیت آسیای مرکزی: پویایی‌های داخلی و خارجی، روی آلیسون

فصل دوم - آسیای مرکزی: اختلافات و میراث‌های مشترک، مارتا بریل اولکات

فصل سوم - اسلام در آسیای مرکزی، آلکسی مالاشنکو

فصل چهارم - آب در آسیای مرکزی: همکاری منطقه‌ای یا مناقشه، هورسمن

فصل پنجم - روسیه و آسیای مرکزی، لنا جانسون

فصل ششم - ایالات متحده و آسیای مرکزی، استفان بلانک

فصل هفتم - چین و آسیای مرکزی، چوانگ چنگ سینک

فصل هشتم - ایران و آسیای مرکزی، ادموند هرترزیک

فصل نهم - ترکیه و آسیای مرکزی، گارت وینرو

فصل دهم - ساختار هاب برای سیاست همکاری‌های امنیتی در آسیای مرکزی، روی آلیسون
نتیجه‌گیری - امنیت آسیای مرکزی در چارچوب منطقه‌ای و بین‌المللی، روی آلیسون
ویراستاران کتاب مذکور، روی آلیسون و لنا جانسون می‌باشند.

روی آلیسون رئیس برنامه روسیه و اوراسیای مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل در لندن
است. آثار به چاپ رسیده او موارد زیر را شامل می‌شود: تنگناهای امنیتی در روسیه و اوراسیا
(واشنگتن دی سی: مؤسسه بروکینگز / RIIA / ۱۹۹۶)، عوامل داخلی سیاست خارجی روسیه
(آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۶).

لنا جانسون عضو ارشد تحقیقاتی در مؤسسه امور بین‌الملل سوئد است. آثار به چاپ
رسیده از او موارد زیر را دربر می‌گیرد: حفظ صلح در CIS: تکامل سیاست روسیه، روسیه و آسیای
مرکزی: شبکه جدیدی از روابط (لندن: مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، ۱۹۹۸) و حفظ صلح و
نقش روسیه در اوراسیا (بولدر، کولو: انتشارات وست‌ویو، ۱۹۹۶).

هدف اصلی این کتاب تحلیل عواقب سیاست امنیتی دخالت‌فزاینده قدرتهای
منطقه‌ای در آسیای مرکزی است. قدرتهای منطقه‌ای آنهایی هستند که تأثیر چشمگیری بر
منطقه دارند، مانند ایالات متحده. هدف شناسایی و ارزیابی عوامل چندسویه شکل‌دهنده
امنیت آسیای مرکزی یا تحلیل «دقیق برداشتهای سیاست» امنیتی سیاست‌سازان یا نخبگان در
این کشورها نیست زیرا این امر ممکن است نیازمند بررسی بسیار عمیق‌تر فرایندهای داخلی
این کشورها باشد. مقالات دوم و سوم و چهارم این کتاب عوامل کلیدی بی‌ثباتی و پویایی‌های
داخلی را که در شرایط معینی می‌تواند خطر منازعه بین کشورها و نیز تهدید امنیت منطقه‌ای را
در پی داشته باشد، مشخص می‌کند. یک پیش‌فرض کتاب این است که تأثیر دخالت خارجی
بوسیله کشورها در منطقه به این بستگی دارد که این دخالت به چه ترتیب با این پویایی‌های
داخلی که می‌توانند ماهیتاً سازنده یا مخرب باشند، در تعامل هستند. بدین ترتیب، این حقیقت
که بخش زیادی از تحلیل مذکور شکل «بررسی» آسیای مرکزی از طریق برداشتهای دیدگاه‌های

دیگر کشورها و نگرانیهای امنیتی آنها را بخود می‌گیرد (فصول ۵-۹) نشاندهنده متدولوژی و اهداف کتاب است. فصل آخر بدنبال شناسایی روندهایی است که میان سیاستهای قدرت ملی، منطقه‌ای و پویایی‌های امنیتی آسیای مرکزی دارای کنش متقابل بر یکدیگر هستند.

در مقدمه این کتاب به توسعه سیستم منطقه‌ای در آسیای مرکزی بعنوان نتیجه تعامل پویایی‌هایی در سطح محلی و بین‌المللی در منطقه پرداخته می‌شود.

چهارگزینه احتمالی برای توسعه جنبه‌های امنیتی سیستم منطقه‌ای مطرح شدند. این مسائل به روند پویایی‌های سازنده و یا اختلاف‌برانگیز، عوامل داخلی در سطح محلی در وهله اول و عوامل خارجی در سطح بین‌المللی در وهله دوم، بستگی دارد. همچنین، بنظر می‌رسد که پویایی‌ها در سطح محلی تفوق پیدا کنند زیرا کشورهای خارجی معمولاً اسیر اختلافات و دسته‌بندی در داخل منطقه می‌شوند. در نمونه آسیای مرکزی روشن است که به میزان قابل توجهی بدبینی و رقابت ریشه‌دار میان دو کشور بزرگتر منطقه یعنی ازبکستان و قزاقستان، وجود دارد. مع‌هذا، همانطور که در مقاله ساختارها و چارچوبها برای سیاست همکاریهای امنیتی در آسیای مرکزی نگاشته شده این کشورها در چارچوبهای گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی باهم همکاری می‌کنند و رقابت میان آنها باعث تقسیم شدن آسیای مرکزی به زیر گروههایی از کشورهای مرتبط با قدرتهای منطقه‌ای بخصوصی نشده است. در حقیقت روسیه و آمریکا، بدنبال گسترش روابط خود با گروه مشابهی از کشورها بوده‌اند، هرچند که ازبکستان در اواخر دهه ۹۰ بیشتر به سوی واشنگتن گرایش پیدا کرد و تاجیکستان استثنائاً اتحاد نظامی نزدیکی را با روسیه حفظ کرد.

در واقع روسیه توانست در نیمه اول دهه ۹۰ یک رابطه نظامی امنیتی نزدیک با اکثر این کشورها برقرار کند که با موافقتنامه‌های CIS و یا موافقتنامه‌های دوجانبه در مورد هماهنگی نظامی تحکیم گردید. ولی این امر با تحکیم پیوندها و به موازات آن رهبری‌های قزاقستان و ازبکستان و با جلوگیری از حمایت شدید از اقدامات سیاست امنیتی بخصوص یکی از این کشورها نظیر اتحادیه اوراسیا، به رهبری رئیس جمهور نظر بایف، حاصل گردید.

با این حال، ممکن است سیاست روسیه تحت رهبری ولادیمیر پوتین آنقدر نامنصفانه‌تر از آن باشد که خطوط اختلاف در آسیای مرکزی را پررنگ‌تر کند و به دستاوردهای همکاری

منطقه‌ای آسیای مرکزی در زمینه امنیت آسیب برساند. اگر بنا بر این باشد که روسیه حضور نظامی اساسی خود را از طریق پایگاهها و تجهیزات و نیروهای حفظ صلح در آسیای مرکزی مجدداً برقرار کند، آنگاه از توانایی بیشتری برای اعمال نفوذ و یا حتی تسلط بر نتیجه مناقشات محلی برخوردار خواهد بود. با این حال حتی در این صورت روسیه نخواهد توانست بخوبی منابع بنیادین تنشهای منطقه‌ای را آرام سازد و شاید بخواهد از گرفتار شدن در کشمکشهای بی‌پایان، بویژه در صورت محدودیت منابع، خودداری کند. بعلاوه، این نوع حضور نظامی گسترده روسیه در یک سناریو همکاری میان قدرتهای خارجی چندان محتمل نیست. ص ۳۶۳.

نهایتاً، آینده امنیتی منطقه به آسیب‌پذیری کشورهای آن، جستجوی آنها بدنبال مشروعیت و وحدت ملی بستگی دارد. این بدان معناست که آنها در مقابل تهدیدات غیرسنتی امنیتی گوناگون که در حال حاضر، در حال رشد هستند، آسیب‌پذیر می‌باشند. متعاقباً کشورهای خارجی می‌توانند آسانتر بر جهت‌گیری‌های کشورهای تازه متولد شده تأثیر بگذارند. مع‌هذا این توانایی اعمال نفوذ و تأثیرات بالقوه اقدامات آنها به آن معناست که قدرتهای ذیربط در آسیای مرکزی مسئولیت سنگینی در قبال رفتارشان در آسیای مرکزی دارند. علی‌رغم پتانسیل بی‌ثباتی در منطقه، این قدرتها می‌توانند از طریق حضور و تقویت چارچوبها و ساختارهای روابط امنیتی که برخوردهای سازنده و هماهنگ‌سازی منافع ملی را تشویق می‌کند، به کسب نتایج مثبت در آسیای مرکزی کمک کنند. بدون این دخالت خارجی مثبت، بنظر می‌رسد منطقه آسیای مرکزی آسیب‌پذیر و شکننده باقی بماند و کشورهای آن در راه توسعه ملی با موانع بیشتری مواجه شوند. ص ۳۶۴.

در پایان، لازم به ذکر است که تسلط مترجم بر متن اصلی و دریافت صحیح از محتوای مطالب ارائه شده، متنی روان، سلیس و روشن به خواننده ارائه می‌دهد و محققان مسائل آسیای مرکزی با مطالعه کتاب امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی دریافتی صحیح از وضعیت امنیت و مناسبات امنیتی در منطقه آسیای مرکزی پیدا می‌نمایند و این امر یعنی فهم چارچوب امنیتی منطقه، کلید اصلی برای فهم مناسبات اجتماعی، سیاسی و نظامی نیز می‌باشد. مطالعه این کتاب برای پژوهشگران منطقه آسیای مرکزی و قفقاز مفید می‌باشد.